

ادامه از صفحه اول

نقد سخنان نفتی غرضی

ثانی- دالستان سقوط قیمت نفت این بود که به‌دنبال سیاست‌هایی که کشورهای صنعتی بعد از شوک اول نفتی در سال ۱۹۷۳ در پیش گرفته بودند و با به نتیجه‌رسیدن این سیاست‌ها، تقاضا برای نفت اوپک از حدود سال‌های ۱۹۸۰ و ۱۹۸۱ رو به کاهش گذاشت و در طول آن سال‌ها و تا سال ۱۹۸۶، سازمان اوپک دایما تولید خود را کاهش می‌داد تا قیمت نفت سقوط نکند و طبیعتاً در اثر این کاهش‌های تولید، ظرفیت مازاد تولید در سطح اوپک و به‌ویژه در کشور عربستان بیشتر و بیشتر می‌شد.

اما در اوایل سال ۱۹۸۶ «کی‌یمانی» وزیر وقت نفت عربستان، ناگهان نغمه جدیدی را ساز کرد. یمانی گفت اوپک تاکنون اشتباه کرده و با کاهش تولید خود سهم بازار خود را به رقیبا داده است و اینک باید سیاست کاهش تولید را کنار بگذارد و قیمت را بی‌اهمیت بداند و با سرازیر کردن تولید به بازار، دامپینگ کند تا رقیبا را از صحنه خارج کند. نگارنده سال‌ها قبل در مورد صحت ادعاهای یمانی مقاله‌ای را نوشتم که از حوصله این بحث خارج است.

در اینجا بود که با محوِربث ایران یک قطب قوی در مقابل عربستان خصوصاً متشکل از کشورهای ایران، لیبی و الجزایر شکل گرفت و البته کویت و امارات و ونزوئلا هم به‌قطب عربستان پیوستند و بقیه اعضای اوپک هم بینابین بودند. ایران نهایت مقاومت را در مقابل سیاست عربستان و دفاع از حقوق حقه خود در پیش گرفت و اتفاقاً یکی از قوی‌ترین و مثال‌زدنی‌ترین دوران‌ها در قوت دیپلماسی نفتی کشور در این دوره رقم خورد. در حالی که هم‌اکنون سال‌هاست اجلاسیه‌های اوپک کمتر از نیم‌روز به طول می‌انجامد، در آن دوره بعضی از اجلاس‌های اوپک تا ۱۲ روز طول می‌کشید که عمدتاً ناشی از مقاومت ایران بود. وزارت نفت ایران قبل از هر اجلاس اوپک نشست هم‌کاری و هماهنگی را با وزرای نفت لیبی و الجزایر (و گاهی بعضی دیگر) تشکیل می‌داد و با هماهنگی قوی با وزارت امور خارجه و با اهرم دیپلماسی، مانع می‌شد که کشورهای عرب مذکور که در چارچوب اتحادیه عرب و بعضی نهادهای دیگر عربی، محوراتی با عربستان داشتند و بتاسیل تسلیم‌شدن به مواضع عربستان را داشتند، به سمت آن کشور بغلندند و ایران در حال جنگ، در اوپک تنها بلندن در این دوره بود که دبیرکل وقت اوپک نیز تابع محض عربستان بود. با تلاش ایران، عربستان هرگز نتوانست در اوپک اجماع لازم را برای پیشبرد نظر و برنامه خود ایجاد کند و البته عربستان به دلیل در اختیارداشتن چندین میلیون بشکه ظرفیت مازاد تولید، ب‌بطرفه کار خود را خارج از اوپک انجام داد. اما نهایتاً همین تلاش‌های ایران موجب شد که حکومت عربستان سعودی در جهان عرب و جهان اسلام بدنام و متهم به توطئه برای تضعیف عرب اقتصادی جبهه مقابل اسرائیل و مجبور به بر کناری یمانی شود. دولت عربستان، مجبور شد یمانی را که از سال ۱۹۶۲ میلادی و بیش از ۲۵ سال وزیر نفت این کشور بود، نهایتاً در اکتبر ۱۹۸۶ یعنی چند ماه بعد از سقوط قیمت نفت، بر کنر کند و برای تیرته خود عمری بدتر از گناه‌آور که سیاست سهم بازار و سقوط قیمت نفت نه سیاست رسمی دولت عربستان بلکه سیاست شخص یمانی بوده است!

سال‌ها بعد معاون وزارت امور خارجه ایالات‌متحده آمریکا (که در ۱۹۸۶ در آن سمت بود)، در مصاحبه‌ای اعتراف کرد سقوط قیمت جهانی نفت، طرح آمریکا برای وادار کردن ایران به پایان‌یافتن به جنگ و برای تسهیل فروپاشی شوروی و نیز فشار بر لیبی قذافی بوده که از طریق سیاست سه‌پارز عربستان، اجرایی شده است. اما داستان سقوط قیمت نفت در ابتدای دوره، اصلاحات دالستان دیگری بود. اولین اجلاسی که وزیر جدید نفت در آن شرکت کرد با آغاز بحران و رکود اقتصادی در منطقه آسیای جنوب شرقی همراه بود (خود را سال‌های ۱۹۹۷ و ۱۹۹۸ که گناه‌آلود که بحران هنوز آشکار نشده بود در این اجلاس اوپک که در جاکارتای اندونزی برگزار شد، وزیر نفت عربستان (آقای نعمی که هنوز هم بر سر کار است)، بر افزایش سقف تولید اوپک اصرار ورزید که البته بهتر بود نماینده ایران با آن مخالفت می‌کرد. با افزایش سقف تولید اوپک قیمت نفت مدتی سقوط کرد اما اوپک در اولین اجلاس بعدی از تصمیم خود برگشت و اقول قیمت نفت چندان به درازا نکشید، اگرچه به دلیل شرایط اقتصادی جهان و وجود بحران اقتصادی در مهم‌ترین منطقه رشد تقاضای نفت در جهان، قیمت‌ها در سطوح چندان بالایی هم نبود. در هر حال به‌نظر می‌رسد جنب‌آقای مهندس غرضی هنوز از بر کناری خود از سمت وزارت نفت رنجیده‌خاطر هستند. بررسی عملکرد و مدیریت ایشان که منجر به این بر کناری شد را می‌توان به مجال دیگری سپرد، اما این نباید موجب شود یکی از پرافتخارترین سوابق دیپلماسی نفتی کشور زیر سوال برده شود و در کل انتظار این بود که کاندیداهای محترم در مورد عملکرد کسانیکه که حضور ندارند و امکان توضیح و دفاع از خود را ندارند، ب‌طرافه به قاضی شوند.

شرق: بهنناز جلالی-پور- اگر همه کارشناسان در اولین سخن نگران تورم و رشد اقتصاد منفی هستند، سعید شیر کوند، معاون اسبق وزیر اقتصاد و دارایی، به آسیب وارده به سرمایه‌های اجتماعی اشاره می‌کند. آسیبی که به نظر او بنای کجی از اقتصاد برای دولت بعدی به ارث گذاشته که برای ساخت نه امکان تخریب آن وجود دارد و نه به‌سادگی می‌توان آن را احیا کرد. آسیبی که سال‌های سال باقی می‌ماند و با وجود بعد اجتماعی‌ای که دارد، به‌صورت مستقیم اقتصاد، کار و تولید را نشانه گرفته است. اما اکنون هیچ کس پاسخگو نیست.

زیر حامیان، گروه‌هایی بوده‌اند که در دوره‌های مختلف دولت را رها کرده‌اند. در حالی که اگر از ابتدا کاندیدایی توسط یک حزب یا گروه سیاسی مشخص حمایت می‌شد که پیش از آن نیز برنامه‌هایش را ارائه کرده بود، مشکل کنونی

شاید کم‌رنگ‌تر بود. موضوعی که این روزها با حضور هشت کاندیدای ریاست جمهوری وجود دارد. همه قرار بر بهبود شرایط دارند، اما هیچ کدام برنامه اقتصادی مشخصی که بتوان براساس آن تصمیم‌گیری کرد، ندارند.

۴ شما پیش از این در بحث آسیب‌هایی که دولت در حوزه اقتصادی به کشور وارد کرده، از آسیب‌هایی که به «سرمایه اجتماعی» وارد شده نام بردید که اثرات آن باقی خواهد ماند. ارتباط آن با اقتصاد چیست؟

سرمایه اجتماعی یکی از نهادهای تولید است که جدیداً وارد ادبیات اقتصادی شده است. کشورها برای عبور از مدارهای توسعه نایافتگی‌شان و ورود به مرحله توسعه‌یافتگی، ناچارند به این سرمایه توجه کنند. تا جایی که برخی حتی به‌صورت اغراق‌آمیز می‌گویند اگر کشوری از این سرمایه به اندازه کافی برخوردار نباشد، نمی‌تواند به توسعه‌یافتگی دست پیدا کند. «سرمایه اجتماعی» که به‌صورت قابل فهم عبارت است از: ایجاد سازوکار در روابط میان انسان‌ها و نهادهایش‌ندن آنها به صورتی که تمام افراد جامعه، قواعد تعریف شده بازی را رعایت کنند و اعتقاد کامل داشته باشند که این قواعد توسط تمام بازیگران از مردم عادی تا دولتمردان کشور رعایت شود که عالی‌ترین سطح چنین قواعد و روابطی در جامعه، قانون نام گرفته است. دولتمردان از قدرت برخوردار بوده و می‌توانند در صورت احساس نیاز قواعد بازی را به نفع خودشان تغییر دهند. در این شرایط قانون دست و پای آنها را می‌بندد و جامعه هم اعتماد می‌کند که قانون رعایت می‌شود. به همین دلیل معتقد دولت‌نهم و دهم بیشترین آسیب‌ها به روند شکوفایی و پیشرفت جامعه زنده، در سبزه سرمایه اجتماعی بوده و سعی کرده در ابعاد مختلف یا ناخودآگاه یا در بسیاری از موارد برای رسیدن به یکسری اهداف مقطعی، کوتاهمدت و موردی نسبت به این سرمایه اجتماعی بی‌تفاوتی نشان دهد یا حتی آن را مورد تخریب قرار دهد.

۴ گستره و ابعاد این آسیب چقدر بوده است؟

مهم‌ترین پژواک عمل دولت نزد مردم، رعایت قوانین تثبیت شده به اصطلاح توسط نهادهای رسمی کشور است. شما ببینید در کشور چیزی داشتیم به نام سند چشم‌انداز ۲۰ساله در سطوح پایین‌تر برنامه‌های پنج‌ساله توسعه و بودجه‌های سنناتی و آیین‌نامه‌های اجرایی را داریم. این خط‌مشی برای دولت بوده و باید در مسیر آنها حرکت می‌کرد. اما در هفت سال گذشته دولت در بسیاری موارد ناآگاهانه و در مواردی آگاهانه نسبت به تمام این سندهای بالادستی بی‌توجهی و بی‌تفاوتی نشان داد و آن را زیر پا گذاشت. در این سال‌ها همه مردم، نهادهای اجرایی یا نهادهای نظارتی می‌دیدند که دولت به‌صورت علنی نسبت به برنامه‌های پنج‌ساله و بودجه، بی‌تفاوتی نشان می‌دهد و آنها را مورد تعرض هم قرار می‌دهد. از زبان خیلی از این افراد شنیده شد که برنامه چهارم مصوب مجلس و شورای نگهبان و به تأیید رسیده مقام معظم رهبری، غربی است و تراوشات ذهن آدم‌هایی است که نسخه‌های غربی را پیچیدند و عملاً دولت نسبت به آنها بی‌تفاوتی نشان می‌داد و آن

را زیر پا می‌گذاشت. در مورد بودجه‌های سنناتی، دولت در ۶۰درصد موارد از لایحه‌های بودجه تخطی کرد. به دلیل این عدم رعایت قانون، به موفقیت‌های پیش‌بینی شده هم نمی‌رسید و تکاملی‌های زیادی هم پیدا می‌کرد. دولت برای اینکه تکاملی‌های خود را به‌صورت کشیایی به جامعه معرفی کند، دست به آمارسازی، تغییر در تعاریف و شاخص‌های اقتصادی و عددسازی زد و مجموعه‌ای از اطلاعات و ارقام را به‌صورت کارنامه ارایه کرد. کارنامه‌ای که همه با شک و تردید با آن برخورد کردند.

۴ آمارهای مشکوک وجود دارد. با این حساب کار اول دولت آینده تهیه آمارهای جدید به جای برنامه‌ریزی و اجراست.

قطعاً وقتی که قرار باشد سرمایه اجتماعی ترمیم شود، وارد همین بحث باید شد. این سرمایه اجتماعی توسعه‌یافتگی، ناچارند به این سرمایه توجه کنند. تا جایی که برخی حتی به‌صورت اغراق‌آمیز می‌گویند اگر کشوری از این سرمایه به اندازه کافی برخوردار نباشد، نمی‌تواند به توسعه‌یافتگی دست پیدا کند.

۴ از نظر زمانی، یعنی باید به‌زای همان هشت سال زمان صرف شود؟ یا در زمانی کوتاه‌تر یا بلندتر این اتفاق رخ می‌دهد؟

نمی‌دانم آن را.

۴ چون عموماً تخریب راحت‌تر از احیاست و ساختن.

شاید از این نظر درست باشد. ولی واقعاً نمی‌دانم دولت بعدی با چه سرعت، امکانات و با چه تحلیل‌های کارشناسی و توانمندی‌ای می‌خواهد اقدام به بازسازی کند. قدر مسلم اینکه دولت بعدی باید این مسیر غیرطراحی شده که دولت قبلی طی کرده و دچار انحراف شده اصلاح کند. چگونگی این اصلاح، سوال بسیار بزرگی است که پیش‌روی تمام این کاندیداهاست. اما مسلماً مسیر دولت نهم و خصوصاً دهم که نسبت به قوانین و اسناد بالادستی، نظر کارشناسان و فعالان عرصه اقتصادی بی‌تفاوت باشند، قابل ادامه نیست. این دولت به دلیل کسب درآمدهای افسانه‌ای نفت، در مقابل بخش خصوصی و تحکیم روابط، احساس بی‌نیازی کرد و زمانی این ناتوانی‌ها و اشتباه در انتخاب مسیر هویدا شد که دولت درآمدهایش را از دست داد.

درست است که تحریم، عامل آن بوده، ولی زمانی که تحریم رخ داد، دولت عملاً متوجه شد تمام قدرت، توانایی‌ها و موقعیتی که در جامعه آفریده بود، از دست رفت. یعنی رابطه تخریب‌شده بین دولت و بخش خصوصی، مردم، تولید کشور، تجارت خارجی و بخش‌های توزیعی، که مانند یک بند تسبیح به هم متصل بودند. کاهش درآمد نفت موجب ظهور کج‌رفتاری‌های دولت با این بخش‌ها شد. از این جهت کار دولت بعدی بسیار سخت است. برای ساختن یک ساختمان در یک زمین مسطح مشکلات خیلی کمتر است نسبت به ساختمانی که با فونداسیون و سازه غلط آن را احداث کرده است. اکنون امکان ادامه این روند وجود ندارد و در سوی دیگر نیز تخریب کردن آن هم برای بازسازی، کار بسیار پرهزینه‌ای است. دولت‌های بعدی و چنین ارثیه‌ای رو بهرو هستند که به عنوان فرزندان ناقص‌الخلقه این دولت باید از آن نام ببریم که روی دست دولت مانده است.

۴ یکی از اقدامات این دولت این بود که با وجود ابلاغ اصل ۴۴ قانون اساسی، گذشته از اینکه بخش خصوصی موجود را با قوانین و مقررات خودش تضعیف کرد، اصناف را هم از بین برد. احیای اینها با چه سیاستی باید انجام شود؟

دولت قبلی به دلیل درآمدهای افسانه‌ای و غیرقابل تصور نفتی، نسبت به همه چیز احساس بی‌نیازی کرده بود. این بی‌نیازی باعث شد که دولت تعریف و مدل برنامه‌ها و سیاست‌هایش را بر مبنای خرج کردن این درآمدها قرار دهد. این دولت باوری نداشت که در ادبیات اقتصادی بر می‌گردد به دهه ۵۰ و ۶۰ میلادی. ذهن آدم‌هایی است که نسخه‌های غربی را پیچیدند و اصلی‌ترین عنصر برای دستیابی به توسعه یا شکوفایی

اقتصاد

سعید شیر کوند در گفت‌وگو با «شرق» مطرح کرد

«سازه غلط» در انتظار دولت آینده



سعید شیر کوند

اقتصاد، سرمایه اقتصادی یا سرمایه ریالی است. در نظریه رشدی که آنها مطرح می‌کردند مهم‌ترین نهاده را سرمایه ریالی می‌گرفتند و این دولت هم چنین باوری داشت که با افزایش درآمدهای نفتی همه کار می‌تواند انجام دهد و احتیاجی به تکیه به یک حوزه و گروه غیردولتی ندارد. در عین حال شعارها و تأکیداتش در مورد مردمی‌شدن اقتصاد و واگذاری به بخش خصوصی بود. این درحالی بود که فرمان ابلاغ اصل ۴۴ قانون اساسی در آغاز به کار دولت نهم، صادر شد و در اصل دست دولت باز بود. اما پول نفت همه ذهن دولت را پر کرده بود و شروع به هزینه کرد. اما به دلیل آنکه این هزینه‌ها بدون تحقیق بود و هیچ استراتژی و بازاری برای آن نداشت، دولت دیگر به تولید، اصناف و بخش خصوصی اهمیتی نداد. اگر فشار و ضقیقه‌های مالی در سال‌های ۸۹ و ۹۰ نبود، شاید تاکنون هم کج‌رفتاری‌ها و بیراهه‌هایی که دولت رفته بود، خود را نشان نمی‌داد، اما چون درآمدها به‌شدت محدود شد، مشکلات ملموس‌تر شد. البته این در شرایطی بود که درآمد دولت کنونی بیشتر از درآمد دولت اصلاحات بود. مطابق نظریه مصرف چرخنده‌ای، وقتی درآمد زیاد می‌شود همه آده‌ها خوب می‌توانند مصرفشان را بالا ببرند، ولی وقتی درآمد پایین می‌آید، نمی‌توان به آن راحتی هزینه‌ها را کاهش داد. دولت زمانی که پول نفت بود شروع به خرج کردن بی‌حساب و با حسابد در چارچوب غیربودجه‌ای کرد و هر جور دلش خواست عمل و فکر کرد فقط پول است که مشکل را حل می‌کند، ولی بعد از خرج کردن، نتیجه‌ای نگرفت. با محدودشدن پول‌ها، این مشکل و تنگنا به‌صورت جدی خود را نشان داد و همه متوجه شدند آن زمان اگر هم بحران‌های اقتصادی ایجاد نمی‌شد، فقط به خاطر پول نفت بوده است. دولت از طریق واردات کالا یا یک نرخ ارز ثابت، سعی می‌کرد جلو تورم را بگیرد. دولت هشت‌سال نرخ ارز را ثابت نگه داشت و با واردات کالا، عملاً به تولید خارجی یارانه داد، ولی چون در داخل برای تولیدکننده تورم وجود داشت، تولیدکننده حذف شد. این امکان را پول نفت به دولت داد.

۴ نرخ ارز را باید پلکانی افزایش می‌داد؟

اگر نتوانیم تورم داخل را حذف کنیم، وقتی خارج از کشور تورم ندار، طبیعی است که به داخل فشار می‌آورد و به همین دلیل بود که دولت ناخودآگاه تمام تولید را از مدار خارج کرد.

۴ بخشی از این درآمدها باید وارد حساب ذخیره ارزی می‌شد، دولت اختامی حساب ذخیره ارزی را با چه میزان موجودی تحویل دادند و با درآمدهای نفتی این سال‌ها اکنون موجودی حساب ذخیره ارزی باید چقدر باشد؟

زمانی که دولت حساب ذخیره ارزی را ایجاد کرد، سال‌های ۱۳۷۹ تا ۸۲ که قیمت‌های نفت زیاد بالا افتاده بود و به اندازه نیاز بودجه‌ای درآمد نفتی داشتیم و از اواسط ۸۳ و ۸۴ بود که در بازارهای جهانی قیمت نفت بالا رفت و درآمدهای نفتی زیاد می‌شد و زمانی که دولت تحویل داده شد، حدود ۱۴میلیارد دلار ارز داشت، ولی بعد با افزایش درآمدهای نفتی اکنون باید رقم بزرگی در حساب ذخیره ارزی موجود باشد، اما متأسفانه دولت با توجه به انگیزه‌ای که برای خرج کردن داشت، چیزی از این حساب برای کشور باقی نگذاشت. در این هفت سال به‌طور متوسط تا پایان سال ۹۱ حدود ۳۰میلیارد دلار فقط در آمد حاصل از فروش نفت داشته‌ایم که این عدد برابر است با کل درآمدهای نفت از سال ۱۲۸۶ که اولین بشکه نفت استخراج شد تا زمانی که دولت نهم روی کار آمد.

۴ در مورد مدل اقتصادی، پیش از این گفتید که نمی‌توان مدل اقتصادی خاصی تجویز کرد. در ایران آنچه روی کاغذ می‌آید در اجرا تغییر می‌کند و دیگر شباهتی به برنامه اولیه ندارد.

اولین گامی که در کشور ما باید برداشته شود تا بتوان از یک مدل الگو و برنامه در هر سطحی استفاده کرد، بهره‌گیری از نیروهای موجود کشور است. این دولت

یکی دیگر از نکاتی که همواره مورد غفلتش قرار گرفته بود، این بود که تجربه مدیریتی، دانشگاهی و تجربه دانش‌اندوزی کشور را نه‌تنها نادیده می‌گرفت، حتی به سخره هم می‌گرفت. زمانی می‌توان برای آینده کشور خط‌مشی گذاری، سیاستگذاری و برنامه‌ریزی درست کرد که توان داخل را بشناسیم. همین‌طور شناخت تجربه کشورهای دیگر و با توجه به آنچه که رخ داده، برای آینده کشور برنامه‌ریزی جدید کنیم. وقتی در کشور از توان تنسوری اقتصادی، مدیریتی و تجربی استفاده نشود، طبعاً نمی‌توان آن برنامه را طراحی کرد. هیچ‌کس نمی‌تواند خود را در داده‌های موجود کشورمان محصور کند. قطعاً تجارب سایر کشورها در برخورد با مشکلات اقتصادی می‌تواند کمک کند. اما بهره‌گیری از این تجارب، به‌روز کردن و اپراتیزه کردن آن به‌نحوی که با

شرایط امروز متناسب باشد، نیاز به توان بهره‌گیری غنی دارد. ولی دولت قبلی خود را از این محروم کرد. دولت بعدی هم اگر نخواهد یا نتواند از دانشگاهیان یا تجربه افراد صاحب صلاحیت بهره بگیرد، نمی‌تواند از پس این مشکلات برآید و موفق باشد. یکی از اولویتهای دولت بعدی باید استفاده و بهره‌گیری از افرادی باشد که کشور سال‌ها برای آنها هزینه کرده است، و الا اگر دولت بعدی هم نخواهد نسبت به تجربه و سرمایه دانشگاهی و فکری کشور بی‌توجه باشد و اعلام بی‌نیازی کند، طبیعتاً درجا خواهد زد. مشکلات کنونی کشور، برای اولین بار از زیر زمین به وجود نیامده است. ما اولین کشوری نیستیم که در طول تاریخ به این مشکلات برخورد کرده باشیم، قبل از ما کشورهای دیگری بوده‌اند که تورمی حتی بالاتر داشته‌اند، ولی نتوانستند بر آن غلبه کنند و تجربه آن موجود است. یک فرد توانمند، تحصیلکرده و اهل مطالعه که دغدغه‌اش حل مشکلات کشور است، باید این موارد را جمع‌آوری کرده و به‌صورت دستمبندی‌شده و قابل استفاده، برای آنها راهکار ارایه شود و دولت نیز برای جلوگیری از ضرر بیشتر، از آنها استفاده کند.

دولت‌های قبلی نیز برنامه داشتند، اما مدل اقتصادی مشخصی نداشتند که بخوانند بر اساس آن عمل کنند. بر خصوص این دولت و برنامه‌هایی که اعلام یا اجرا کرد، می‌توان گفت در اصل این دولت برنامه‌ای نداشت و یکسری آرزو را قالب برنامه مطرح کرد. به همین جهت آرزوهایشان را در قالب تصمیم‌های خلق‌الساعه اعلام می‌کرد که در موارد بسیاری با شکست مواجه می‌شد. این اشتباهات را این دولت هیچ‌گاه قبول نکرد و به دلیل عملکرد اشتباهش نیز از مردم و کسانی که به واسطه این تصمیم‌ها آسیب دیدند، عذرخواهی نکرد. عدم قبول خطاهای دولت که در زمینه‌های مختلف بوده و به واسطه آن به اقتصاد نیز آسیب زده است، بر شاخص‌های اجتماعی نیز تأثیر گذاشته و سرمایه‌های اجتماعی را متاثر کرده و در مواردی موجب خشم آنها شده است. در مورد عدالت، بخشی از آرزوهایش را گفت که عمل نکرد، اما مردم باید همین آرزوهایی که گفته شده بود، رای دادند اما بعد از گذشت این همه سال دیدند به آنها عمل نکرده و از بابت اعتمادی که به دولت کرده بودند، صدمه دیدند و نوعی بی‌اعتمادی به دولت به‌وجود آمد.

دولت می‌خواست با سهام عدالت و مسکن مهر، هم به عدالت برسد و هم فاصله‌هایی را کاهش دهد. در حال حاضر هم به این اهداف دست پیدا نکرده است، البته دولت می‌تواند نباید از مردم عذر بخواهی کند و بگوید که نتوانست به این اهداف برسد، این در حالی است که دولت هم‌اکنون اصرار بیش از حدی بر درست‌بودن فعالیت‌هایش دارد.

۴ اکنون نیز زمان انتخابات است و کاندیداها باز وعده‌های مختلف می‌دهند و عمده‌ها هم تا توجه به وضعیت اقتصادی، در همین راستاست. واقعیت این است که سیستم راستی‌آزمایی برای این وعده‌ها وجود ندارد، تکلیف مردم چیست؟

یکی از ایراداتی که در ایران در خصوص کاندیداهای وجود دارد، نبود حزب خاص است که کاندیداها برخاسته از آنها باشند و از قبل برنامه‌هایشان مشخص باشد. به همین دلیل در دوره نزدیک به نیت انتخابات گروه‌های مختلف در قالب جمعیت‌ها و انجمن‌ها به حمایت از کاندیدهای موردنظرشان می‌پردازند. بعد از انتخابات، این گروه‌ها در دوره‌های مختلف از رئیس‌جمهور دور می‌شوند. در اصل آنها بخش پاسخگو به خطاهای انتخاب‌ها و برنامه‌های کاندیداها نیستند، چنان که کسانی که حتی به‌عنوان نماینده مجلس از کاندیدایی حمایت کردند و با برنامه‌هایش موافقت می‌کردند، بعد از دورهای در هیات منتقد ظاهر شدند. مثلاً در مورد یارانه‌ها نمایندگانسی که یک زمانی از دولت درباره اجرای آن حمایت می‌کردند، الان انتقاد می‌کنند. می‌توان گفت اکنون تنها کسانی از دولت حمایت می‌کنند که در مجموعه سازمان دول حضور دارند و در اصل بخشی از آن بدنه محسوب می‌شوند و در صورت خروج از آن سازمان و بدنه، هر کدام به یک منتقد دولت تبدیل می‌شوند. حال اگر حزبی وجود داشت و برنامه‌هایش مشخص بود، امکان سوال و جواب بود و در ضمن می‌توانستند نسبت به اجرای برنامه‌ها و سیاست‌ها نیز جواب دهند.

ادامه از صفحه ۵

خبر

کیمبود «کره» مشخص کرد

اتمام سهمیه ارزی وزارت صنعت و معدن

● **فارس:** در حالی که ۲۲هزارتن کره از پنج‌ماه پیش به دلیل عدم تخصیص ارز مرجع از گمرک ترخیص نمی‌شد، دبیر انجمن صنایع لبنی گفت:از مرجع برای پنج‌هزارتن کره اختصاص یافته و از امروز (روز گذشته) ترخیص و بدون افزایش قیمت در فروشگاه‌ها عرضه می‌شود. رضا باکری افزود: عملیات تخصیص ارز مرجع روز شششنبه گذشته انجام شده و از دیروز کارخانه‌داران با مراجعه به گمرک محصول کره را ترخیص می‌کنند. باکری در پاسخ به اینکه آیا امروز(هزینه نگهداری در گمرک) در نرخ کره تأثیرگذار خواهد بود، گفت: قرار است کارخانه‌های ملی‌های هزینه دموار را اعلام کنند ووزارت صنعت پرداخت خواهد کرد، بنابراین تأثیری در قیمت مصرف‌کننده نخواهد داشت. باکری در پاسخ به این پرسش که پنج‌هزارتن کره ترخیص‌شده تا چه میزان نیاز کشور را تامین می‌کند، گفت: این میزان نیاز کشور تا ۱/۵ماه آینده را تامین می‌کند، اما ۱۵هزارتن کره انبارشده در گمرک نیز به مرور ترخیص خواهد شد. باکری در پاسخ به سوال، مشکل عدم ترخیص ۱۵هزارتن کره موجود در گمرک چیست، گفت:وزارت صنعت، معدن و تجارت سهمیه ارز مرجع سه‌ماهه اول سال را استفاده کرده و بنابراین سهمیه از مرجع برای ترخیص کره ندارد.

عدم شماره گذاری پژو، سمدن و پراید یورو ۲ از ابتدای تیرماه

● **فارس:** قائم‌مقام سازمان محیط‌زیست با بیان اینکه تاکنون خودروهای پژو، سمدن و پراید نتوانسته‌اند استاندارد یورو ۴ را کسب کنند، گفت: این سه مدل خودرو در صورتی که با استاندارد یورو ۲ تولید شوند از ابتدای تیرماه شماره‌گذاری نخواهند شد.مگر اینکه خودروسازان بار قانون را دور بزنند. علی‌محمد شاعری اظهار کرد: محصولات صنعت خودروسازی و پالایشگاهی کشور منطق با استانداردهای روز دنیا نیست. وی ادامه داد: خودروسازان می‌گویند اگر بخواهند استانداردها را رعایت کنند باید ۵۰۰هزار تومان هزینه صرف کنند و آنها می‌گویند توان چنین کاری را ندارند.قائم‌مقام سازمان محیط‌زیست یادآور شد: از ابتدای سال قرار بود خودروها با استاندارد یورو ۴ تولید شود و هم‌اکنون ۲۰درصد خودروها یورو ۴ هستند. وی اضافه کرد: طبق برنامه‌ای که وزارت نفت ارایه کرده است، از پایان مردامه و اوایل شهریورماه توزیع سوخت یورو ۴ در برخی از استان‌های کشور آغاز می‌کند. شاعری با بیان اینکه هم‌اکنون هشت‌میلیون لیتر گازوئیل در تهران با استاندارد یورو ۴ توزیع می‌شود، گفت: بر اساس استانداردسازی بخشی از سوخت مورد عرضه در کشور بنزن موجود در سوخت از حدود شش‌درصد به ۱/۵درصد کاهش یافته، همچنین اکتان سوخت نیز میان ۸۳ و ۹۳ است. وی یادآور شد تا نیمه دوم خرداد در تهران بنزین یورو ۴ توزیع می‌شود.همچنین سوخت نفت- گاز هم‌اکنون در اکثر جایگاه‌ها با استاندارد یورو ۴ در دنیا عرضه می‌شود. این مقام مسئول بیان کرد: در کرج سوخت موردنیاز برای سیستم حمل و نقل زرون‌شهری توسط سوخت یورو ۴ تامین می‌شود.همچنین در مشهد نیز اتوبوس‌های درون‌شهری از سوخت نفت- گاز یورو ۴ استفاده می‌کنند. شاعری با بیان اینکه در استان‌های تبریز و اصفهان تا پایان نیمه اول سال بر طبق برنامه ارایه‌شده از سوی وزارت نفت سوخت با استاندارد یورو ۴ عرضه می‌شود، اضافه کرد: مابقی کلاشهرهای کشور پس از امانداری پالایشگاه‌های دیگر (پالایشگاه تبریز، اصفهان و لاوران) سوخت یورو ۴ را در جایگاه‌های سوخت خود عرضه می‌کنند. این مقام مسئول ابراز کرد: خودروهای مگان، تندر، ال ۹۰، سوزوکی، تیانه، نیوا همچنین تلمی خودروهای وارداتی با استانداردهای یورو ۴ تولید و وارد می‌شوند. شاعری یادآور شد: تمامی شرکت‌های خودروساز به استثنای دو شرکت بزرگ خودروسازی کشور نتوانسته‌اند تمامی محصولات خود را مطابق با استاندارد یورو ۴ تولید کنند. شاعری افزود: خودروسازان در ابتدای سال به تعهدات خود نتوانستند عمل کنند و پلیس راهور ناجا و همچنین سازمان محیط‌زیست زیر بار تمدید این مهلت نرفت که سرانجام دولت با فرصت دوماه به خودروسازان (تا پایان خرداد سال جاری) مهلت دوباره به این شرکت‌های صنعتی داد تا در جهت ارتقای سطح کیفی محصولات خود گام بردارند. قائم‌مقام سازمان محیط‌زیست با بیان اینکه بر تیرازترین شرکت‌های داخلی شامل پژو، سمدن و پراید است، بیان کرد: چنانچه شرکت‌های خودروساز تا پایان خرداد این دسته از محصولات خود را با استاندارد یورو ۴ تولید کند محصولات آنان شماره‌گذاری می‌شود در غیراین‌صورت محیط‌زیست اجازه شماره‌گذاری را نمی‌دهد.

بریده اخبار

فارس: معاون بازرگانی داخلی وزیر صنعت از تخصیص سبد کالایی با ۲۰درصد تخفیف برای کارمندان، فرهنگیان و نیروهای مسلح خبر داد.
مهر: معاون وزیر نیرو: تابستان اسمال حتی در بدبینانه‌ترین شرایط هم خاموشی نداریم و برای روزهای پیک مصرف برق تابستانی حدود چهارهزارمگاوات ذخیره برق داریم.
مهر: قطار تندروی پردیس (ترن‌ست) تهران -اراک شرکت حمل و نقل ریلی رجا را امانداری شد.
تسنیم: طبق مصوبه هیات واگذاری، صدرصد نیز وگاه شهیدرجایی خردامده به صورت مزایده واگذار خواهد شد.